

۱ - ميز الخطأ في التراجيم:

- ① و الباقيات الصالحات خير عند ربك ثواباً : چیزهای شایسته ماندگار نزد پروردگار ثواب خوبی دارد.
- ② فمن يعمل مثقال ذرة خيراً يره : پس هر که به وزن ذره های خوبی انجام دهد آنرا می بیند.
- ③ فمسي أن تكرهوا شيئاً و يجعل الله فيه خيراً كثيراً : و چه بسا که چیزی را ناپسند بدارید و خدا در آن خیر بسیاری قرار دهد.
- ④ و من أحسن قولاً ممن دعا إلى الله : و گفته ی چه کسی بهتر است از کسی که به سوی خدا دعوت کرد.

۲ - عین الخطأ في المفهوم :

- ① لا خير في وء امرئ متلون! : لا فائدة في من تختلف سريره عن علانيته!
- ② رب ظمان بصفوالماء غص! : لا خير في الآمال التي تضرنا لأنها تهلكتنا بعض الأحيان!
- ③ البر أن تعمل في السر عمل العلانية! : قلب المؤمن كنوز الأسرار فإعلانها خلاف البر!
- ④ متى ما تلق من تهوى دع الدنيا و أهملها! : إن دخلت محبة الخالق في القلب يخرج حب الأمور الدنيوية منه!

۳ - «قد يضر الشيء ترجو نفعه رب ظمان بصفوالماء غص!» عین المناسب للمفهوم:

- ① لا تقنطوا من رحمة الله
- ② سيجعل الله بعد عسر يسرا
- ③ عسى أن تحبوا شيئاً و هو شر لكم
- ④ عسى أن تكرهوا شيئاً و هو خير لكم

۴ - «مرگ حق است و عمرها به دست خداوند!»

- ① الموت و عمرنا حقيقتان و هما بيد الله!
- ② الموت حق و الأعمار بيد الله!
- ③ الوفاة في سبيل الله حق و هو على يد الله!
- ④ الوفاة حقيقة و العمر على يد الله!

۵ - عین الأصح و الأدق في الجواب للترجمة :

«سافرت مع التلاميذ إلى المناطق الجميلة و الرائعة التي تخلص القلوب»

- ① ما با شاگردان به مکان های زیبا و خوبی سفر کردیم که دل هایمان را می ربود.
- ② همراه دانش آموزان به مناطق زیبا و جالبی که دل ها را می رباید، مسافرت کردید.
- ③ به همراه دانش آموزان خود به اماکن زیبا و دلپسندی مسافرت کردید که ربایند ی دل ها بود.
- ④ ما همراه شاگردانمان به مناطقی زیبا و دلربا که دل هایمان را شیفته ی خود می کرد، سفر کرده ایم.

۶ - «پروردگارت را قبل از این که خورشید به زیبایی طلوع کند تسبیح گوی!» عین الصحيح في التعريب :

- ① تسبیح ربك قبل طلوع الشمس الجمیل!
- ② تسبیح ربك قبل أن تطلع الشمس جميلة!
- ③ يجب أنك تسبیح ربك قبل طلوع الشمس بجمالها!
- ④ ليتك تسبیح ربك جمیلاً قبل أن تطلع الشمس الجميلة!

۷ - عین الأصح و الأدق في الجواب للترجمة :

- ① في عصرنا الحاضر وصل الإنسان إلى درجة عظيمة من التقدم و صنع الآلات و الأدوات التي تخدمه :در عصر حاضر، انسان به پیشرفت عظیمی رسیده است و ابزار و وسایلی را که به او خدمت می کند ساخته است،
- ② فاستفاد من قوى الطبيعة و استخدم ما خلق الله في الأرض لمصالحه :پس از قوای طبیعت استفاده کرد و آن چه را که خداوند در زمین برای منافع او خلق کرده، به کار گرفت،
- ③ و قد وصل الغربيون اليوم إلى أعظم درجات التقدم العلمی بفضل المسلمين :در حالی که غربی ها امروزه به برکت مسلمین بر پیشرفت بزرگی از مراتب علمی و عملی دست یافته اند،
- ④ و إن لا يعترف كثير منهم بهذا الفضل! :هر چند آنان به بسیاری از این برتری ها اعتراف نمی کنند!

۸ - عین الأصح و الأدق في الجواب للترجمة :

«صديقتي كانت أمية، لكنها لما شاهدت مكانة العلماء الرفيعة عزمت على الدراسة»

- ① دوستم بی سواد بود، ولی وقتی مقام بلند دانشمندان را دید، تصمیم به درس خواندن گرفت!
- ② این رفیق بی سواد من بود که وقتی علمای والا مقام را مشاهده کرد عزم به تحصیل کرد!
- ③ رفیقم درس نخوانده بود، زمانی که موقعیت دانشمندان والا را دید، قصد بر ادامه ی تحصیل کرد!
- ④ دوست من که بی سواد بود، موقعی که جایگاه والای علما را مشاهده کرد، تصمیم گرفت درس بخواند!

۹- عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَدَقَّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ :

«طلبت مني المعلمة قبولَ مسؤولية تعليم التلاميذ الضعفاء في الدروس»

- ۱) آموزگار پذیرش مسئولیت یاد دادن دروس را به شاگردان ضعیف خود از من خواسته بود. ۲) آموزگار مرا واداشت که مسئولیت یادگیری دروس دانش آموزان تنبل را بپذیرم.  
۳) معلم مرا به قبول مسئولیت آموزش دانش آموزان ضعیف در دروس شان وادار کرد. ۴) معلم پذیرفتن مسئولیت آموزش دادن شاگردان ضعیف در دروس را از من خواست.

۱۰- عَيْنِ الْخَطَأُ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱) لیت ذا العلم یجتنب التکبر! کاش صاحب علم از تکبر دوری کند! ۲) الله سبحانه لم یخلقکم دون سبب! خداوند سبحان شما را بیهوده نمی آفریند!  
۳) یوم لا ینفع الظالمین معذرتهم! روزی که عذرخواهی ظالمان برای آن ها سودی ندارد! ۴) لن أذهب إلى خارج الصف قبل الاستاذ! قبل از استاد به بیرون کلاس نخواهم رفت!

۱۱- عَيْنِ الْخَطَأُ التَّرْجَمَةِ:

- ۱) كانت تعاني المريضة مرضها في تلك الليلة الحزينة! مریض در آن شب حزن انگیز از بیماریش رنج می برد!  
۲) لم یحسن الناس إلى الفقير بمال في ذلك البرد الشديد! مردم به فقیر در آن سرمای شدید پولی ندادند!  
۳) الرؤيا إذا لم تتحقق، فهي خيرٌ من عند الله، فعلى الإنسان أن يتوكل عليه! رؤیا هرگا محقق نشود آن خیری از جانب خداست، پس انسان باید بر او توکل کند!  
۴) الناس يحتفلون في أيام خاصة من حياتهم و يستقبلون الآخرين بحفاوة! مردم در روزهای خاصی از زندگی خود جشن می گیرند و با گرمی از دیگران استقبال می کنند!

۱۲- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱) إِنَّ أَسْوَأَ الْكَلَامِ الْكَذِبُ! بدترین سخن دروغ است!  
۲) إِنَّ الصَّمْتَ مِنْ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ! سکوت تنها راه حکمت است!  
۳) إِنَّ مَنْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ لَا يَعْتَصِمُ بغيره! قطعاً کسی که به خداوند پناه برده به شیطان پناه نمی برد!  
۴) إِنَّ أَعْمَالَ الْخَيْرِ الْكَثِيرَةِ وَلَكِنْ فاعلها قليل! بی تردید کارهای خیر بی شمار است ولی کم تر آن ها را انجام می دهند!

۱۳- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱) لم تياس الأم من هداية ولدها فلم تدعه! مادر از هدایت فرزند خود مأیوس نشد لذا او را رها نکرد!  
۲) كنت حملت طفلي أتي لم تشف من مرضها إلى خارج البلاد! فرزندم را که از بیماری شفا نمی یافت به خارج کشورم بردم.  
۳) خشى الطالب من عاقبة أمره و طلب من معلمه أن يعفو خطيئة: دانش آموز از عاقبت کارهایش هراسید و از معلم خواست که از اشتباهات او درگذرد.  
۴) العلماء المسلمون قد بلغوا مكانة عالية في العلوم في القرون الماضية: در قرن های گذشته دانشمندان مسلمان به جایگاه والا در علوم رسیده بودند.

۱۴- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

رَأَيْتُ فِي حَدِيثِنَا بَلَابِلَ جَمِيلَةٍ تُغَرِّدُ بِصَوْتٍ جَمِيلٍ وَ نَحْنُ اسْتَرَحْنَا تَحْتَ الْأَشْجَارِ الْخَضِرَاءِ!

- ۱) در باغمان بلبل های زیبا را دیدم که در حال آواز خواندن با صدای زیبا بودند و ما زیر درختان سرسبز استراحت کردیم!  
۲) بلبل های زیبایی را در باغمان دیدم که با صدایی زیبا آواز می خواندند و ما زیر درختان سرسبز استراحت کردیم!  
۳) بلبل های زیبایی را که با صدایی زیبا آواز می خواندند در باغ دیدم و ما زیر درختان سرسبز به استراحت پرداختیم!  
۴) در باغمان بلبل های زیبا هستند که با صدایی زیبا آواز می خوانند و ما زیر درختان سبز استراحت می کنیم!

۱۵- «چرا گروه اندکی از ما هرچه را می شنوند تأیید می کنند، این امری است که پذیرفته نمی شود!»:

- ۱) لماذا يصدقُ شرذمة قليلون ما يستمع إليه، لا يتقبل هذا الموضوع! ۲) لم يصدق جماعة قليلون من الجميع ما يُسمَعُ، هذه الأمر يُقبل!  
۳) لم يؤيد فئة من الجميع ما يسمعون، هذه قضية لا يُقبل! ۴) لماذا يؤيد شرذمة من كل ما يسمعون، هذا أمر لا يُقبل!

۱۶- عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَدَقَّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ :

«أهيب نفسي للذهاب إلى بيت صديقي و أريد أن أساعده في دروسه!»:

- ۱) خودم را برای رفتن به خانه ی دوستم آماده کردم تا در درس هایش به او کمک کنم!  
۲) برای رفتن به خانه ی دوستم آماده شدم و می خواهم در درس ها به او کمک کنم!  
۳) خودم را برای رفتن به خانه ی دوستم آماده می کنم تا در درس هایش به او کمک کنم!  
۴) خودم را برای رفتن به خانه ی دوستم آماده می کنم و می خواهم در درس هایش به او کمک کنم!

۱۷- عَيْنِ الْخَطَأُ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱) لا يحسب أبناء الشهيد أن والدهم قد نسي! : فرزندان شهید نباید بپندارند که پدر آنان فراموش شده است!  
۲) نحن لن ننساه أبداً لأن له حقاً عظيماً علينا! : ما فراموشش نمی کنیم، زیرا که حق او بر ما بسیار بزرگ است!  
۳) ولنتذكر أن سنن هذا العالم و قوانينه لا تتغير! : و باید به یاد بیاوریم که سنت های این جهان و قانون های آن تغییر نمی کند!  
۴) فلا تيأس و إن رأينا أن قوى الظلم مُسيطرَة على العالم! : پس ما نباید ناامید شویم اگرچه ببینیم که نیروهای ظلم بر جهان چیره اند!

۱۸- عَيْنٌ غَيْرُ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ: «رَأَيْتُ الدَّهْرَ مُخْتَلَفًا يَدُورُ! / فَلَا حَزْنَ يَدُومَ وَلَا سُرُورًا»

- ۱) یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور  
۲) دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نگشت  
۳) ای دل غمدیده حالت به شود دل بد مکن  
۴) در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم
- کلیه احزان شود روزی گلستان غم مخور  
دائماً یک سان نباشد حال دوران غم مخور  
وین سر شوریده باز آید به سامان غم مخور  
سرزنش ها گر کند خار مغیلان غم مخور

۱۹- عَيْنٌ مَا لَا يَنَاسِبُ لِمَفْهُومِ هَذِهِ الْآيَةِ الشَّرِيفَةِ: «مَنْ أَحْسَنَ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا»

- ۱) کونوا دعاء الناس بغير ألسنتكم! ۲) الذاعي بلا عمل كالزّامي بلا وتر! ۳) «لم تقولون ما لا تفعلون» ۴) «من عمل صالحاً فلنفسه و من أساء فعليها»

۲۰- عَيْنُ الْأَصَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّعْرِيبِ:

«بهار آمده است تا از لیخند شکوفه های رنگارنگ و بوی خوشی که از دهانشان پخش می شود، بهره مند شویم!»

- ۱) قد أتى الربيع لنتمتع بتبسم الأزهار المتلونة و رائحة طيبة تفوح من فيها! ۲) قد جاء الربيع فعلينا أن نستفيد من تبسم الأزهار المتلونة و انتشار رائحتها الطيبة!  
۳) الربيع ورد لتفتح من تبسم الأزهار المتلون و الرائحة الطيبة التي تنتشر من فيها! ۴) الربيع أتى فلنتمتع بالتبسم الأزهار المتلونة و عطر طيب يفوح منها!

۲۱- عَيْنُ الْأَصَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ:

- ۱) «كَانَ هَؤُلَاءِ الزَّمَلَاءُ يُكْرِمُونَ ضِيْفَهُمْ إِكْرَامًا بِالْغَا!»: این همکلاسی ها میهمانان خود را بسیار گرامی می داشتند!  
۲) «يُحَاسِبُ الْخِلَاءَ فِي الْآخِرَةِ حَسَابَ الْغَنِيَاءِ!»: خسیسان را در آخرت هم چون ثروتمندان محاسبه می کنند!  
۳) «أَبُوهُ لَمْ يَقْبَلْ وَلَدَهُ وَ نَبِيْنَا الْكَرِيمُ إِنْزَعَجَ مِنْ ذَلِكَ الْعَمَلِ!»: وقتی پدرش او را نبوسید پیامبر بزرگوار از آن کار ناراحت گردید!  
۴) «قَدْ هَيَّأْنَا لِأَوْلَئِكَ الْمُرَاقِبِينَ طَعَامًا وَ لِدَوَاهِمِ عِلْفًا كَثِيرًا!»: ما برای آن دوستانان غذا و برای چارپایان علف بسیاری تهیه کردیم!

۲۲- عَيْنُ الْأَصَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي التَّرْجَمَةِ وَ التَّعْرِيبِ أَوِ الْمَفْهُومِ

عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱) هل أنت أعلم من الأفضل بينهم؟ : آیا تو می دانی چه کسی در میان آن ها برتر است؟ ۲) اولئك طالبات مجتهدات! : آن دانش آموزان دختر، کوشا هستند!  
۳) إلهي يسر لي أمري! : خدای من کارم را برای من آسان کرد! ۴) العاقل من إبتعد عن الباطل! : کسی عاقل است که از باطل دوری می کند!

۲۳- عَيْنُ الْأَصَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوِ التَّعْرِيبِ أَوِ الْمَفْهُومِ

عَيْنُ الْأَقْرَبِ مِنْ مَفْهُومِ هَذَا الْبَيْتِ: «بَادِرِ الْفُرْصَةَ وَ احْذِرِ فَوْتَهَا / فَبُلُوغِ الْعَرِّ فِي نَيْلِ الْفُرْصِ»

- ۱) روندگان طریقت ره بلا ورزند  
۲) مکن عمر ضایع به افسوس و حیف  
۳) ای دوست بیا تا غم فردا نخوریم  
۴) بداندیش را جاه و فرصت مده
- رفیق عشق چه غم دارد از نشیب و فراز  
که فرصت عزیز است و «الوقت سیف»  
وین یکدم عمر را غنیمت شمريم  
عدو در چه و دیو در شیشه به

۲۴- عَيْنُ الْأَصَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي التَّرْجَمَةِ أَوِ التَّعْرِيبِ أَوِ الْمَفْهُومِ:

«كَانَ الرَّسُولُ (ص) يُوَكِّدُ عَلَى تَكْرِيمِ الْأَطْفَالِ وَ تَقْبِيلِهِمْ!»:

- ۱) پیامبر (ص) مؤکداً کودکان را احترام می کرد و آن ها را می بوسید!  
۲) رسول (ص) بر گرامی داشتن کودکان و پذیرش آن ها تأکید می کرد!  
۳) رسول (ص) بر احترام به کودکان و بوسیدن آن ها تأکید می کرد!  
۴) گرامی داشتن کودکان و بوسیدن آنان تأکیدی از جانب پیامبر (ص) بود!

۲۵- عَيْنُ الْأَصَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي التَّرْجَمَةِ أَوِ التَّعْرِيبِ أَوِ الْمَفْهُومِ:

«خَدَايَا أَكْرَ تَوَ مَرَا خَوَارَ كُنِّي، چَه كَسِي مَرَا يَارِي كُنْد؟»:

- ۱) رَبَّنَا إِذَا تَدَعَيْ لَا يَنْصُرُنِي أَحَدًا! ۲) يَارَبِّ لَوْ خَذَلْتَنِي مِنْ يَسْتَعِينُ عَلَيْنَا! ۳) إِلَهِي إِنْ خَذَلْتَنِي فَمَنْ يَنْصُرُنِي! ۴) رَبِّ مَنْ يَسْتَعِينُ عَلَيَّ لَمَّا تَرَكْتَنِي!

۲۶- عَيْنُ الْأَصَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي التَّرْجَمَةِ أَوِ التَّعْرِيبِ أَوِ الْمَفْهُومِ:

«مَنْ تَكَالَيْفَمَ رَا دَر سَاعَتِ مَعْيِنَ دَر خَانِه أَنْجَامِ مِي دَهَم!»:

- ۱) أَنَا أَكْتُبُ وَاجِبَاتِي فِي السَّاعَةِ الْمَحْدَدَةِ فِي بَيْتِي!  
۲) أَنَا قُمْتُ بِأَدَاءِ وَاجِبَاتِي فِي الْبَيْتِ عِنْدَ السَّاعَةِ الْمَعْيَنَةِ!  
۳) أَفْعَلُ بِوَاجِبَاتِي فِي الْبَيْتِ عِنْدَ سَاعَةِ مُحَدَّدَةٍ!  
۴) أَقُومُ بِأَدَاءِ وَاجِبَاتِي فِي الْبَيْتِ فِي السَّاعَةِ الْمَحْدَدَةِ!

۲۷- «اساس فکر باید به صورتی باشد که شکی در دل ایجاد نکند!»: عَيْنُ الصَّحِيحِ :

- ۱) لیکن اساس التفکر بشكل لا يُحدث في القلب ريباً!  
۲) وجب علينا أن نفكر بشكل لا يحدث في قلبنا ترديداً!  
۳) لیكون اساس تفكرنا بطريق لا يخلق في القلب ترديداً!  
۴) من الواجبات أن أساس الفكر بشكل لا يكون في قلبنا ريباً!

۲۸ - ■■ عَيْنَ الْأَصَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ:

«اگر می خواهید با ایمان ترین مردم شوید، خوش اخلاق ترین آن ها باشید!»:

- |   |  |   |  |
|---|--|---|--|
| ① | إِنْ أُرِدْتُمْ أَنْ تُصْبِحُوا أَفْضَلَ النَّاسِ إِيْمَانًا فَكُونُوا أَحْسَنَهُمْ خُلُقًا! | ② | إِذَا تُرِيدُوا أَنْ تُصْبِحُوا أَحْسَنَ النَّاسِ مُؤْمِنًا فَكُونُوا أَحْسَنَهُمْ أَخْلَاقًا! |
| ③ | مَنْ يُرِذْ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ إِيْمَانًا فَاصْبِحْ أَحْسَنَهُمْ أَخْلَاقًا!      | ④ | إِنْ تُرِيدُوا أَنْ تُصْبِحُوا أَقْوَى النَّاسِ مُؤْمِنًا فَكُونُوا أَفْضَلَهُمْ خُلُقًا!      |

۲۹ - ■■ عَيْنَ الْأَصَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ:

«جوانان ایران عزیز از کشور خود جانانه دفاع کردند و به دشمنان خود اجازه ندادند که سرزمین هایشان را اشغال کنند!»:

- |   |   |
|---|---|
| ① | دافعوا شبابُ ایران العزیزة عن بلادهم دفاعاً رائعاً و لم يسمحوا لأعدائهم أن يقوموا باحتلال بلادهم! |
| ② | شبابُ ایران العزیزة دافعوا عن بلادهم دفاعاً رائعاً و لم يسمحوا لأعدائهم أن يحتلوا أراضیهم!        |
| ③ | شُبَّانُ ایران العزیز كانوا قد دافعوا عن وطنهم دفاعاً و لن يسمحوا للأعداء أن يحتلوا أراضیهم!      |
| ④ | شُبَّانُ ایران العزیزر قد دافعوا عن وطنهم دفاعاً و لا يسمحون للعدی أن یبادروا باحتلال بلادهم!     |

۳۰ - ■■ عَيْنَ الْأَصَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ:

«رزمندگان قهرمان ما در جبهه های نبرد، خدای خود را می خواندند تا آن ها را در سختی ها یاری رسانند!»:

- |   |  |   |  |
|---|--|---|--|
| ① | مجاهدوننا الأبطال كانوا يدعون ربهم في معارك الجهاد حتى يساعدهم في المصاعب! | ② | كان المجاهدون الأبطال لنا قد دعوا ربهم في جبهات الحرب ليساعدهم في الشدائد! |
| ③ | كان يدعون مجاهدونا الأبطال الله في معركة الحروب ليساعدوا في الصعوبات!      | ④ | مجاهدوننا الأبطال كانوا يدعون ربهم في معارك الحرب حتى يساعدوا في الصعاب!   |

## پاسخنامه تشریحی

### ۱ - گزینه ۱

ترجمه ی صحیح چنین می شود: «نیکی های ماندگار از نظر ثواب در نزد پروردگارت بهترند.»

سخت

### ۲ - گزینه ۳

علت خطای گزینه ی سوم این است که دو عبارت با هم تناسب معنایی و مفهومی ندارند:

نیکی آن است که در پنهان همچون آشکار عمل کنی: قلب مؤمن گنج های اسرار است پس آشکار کردن آن خلاف نیکی است که این دو عبارت با هم تناسب ندارند.

سخت

### ۳ - گزینه ۳

با توجه به معنای بیت عربی مورد سؤال یعنی «گاهی آن چیزی که امید نفع آن را داری، (به تو) ضرر می زند (همان طور که) چه بسا فرد تشنه ای که با آب صاف و گوارا، گلوگیر و خفه شده است.» تنها گزینه ی سوم از جهت معنی و مفهوم، با این بیت، تناسب دارد، و آن، این است: «ممکن است که شما چیزی را دوست داشته باشید درحالی که آن چیز برای شما بد است.»

سخت

### ۴ - گزینه ۲

«مرگ حق است»: «الموتُ حقٌّ»؛ «مرگ» در عبارت فارسی مسندالیه و «حق» مسند، پس یک جمله ی اسمیه ای متشکل از مبتدا و خبر باید بیاید. [رد گزینه های (۱) و (۳)]

«عمرها»: «الأعمار»؛ «عمرها، جمع است پس نباید به صورت «عمر» مفرد بیاید. [رد سایر گزینه ها]

سخت

### ۵ - گزینه ۲

کلمات کلیدی: سافرتُم / التلاميذ / المناطق الجميلة و الرائعة / تخلص / القلوب

مقایسه گزینه ها:

«سافرتُم» در صیغه ی للمخاطبین است پس نباید به صورت «سفر کردیم» یا «سفر کرده ایم» آورده شود. (رد گزینه های ۱ و ۴)  
«التلاميذ، بدون ضمیر آورده شده است پس نباید در ترجمه از ضمیر در کنارش استفاده کرد. (رد گزینه های ۳ و ۴) دانش آموزان خود یا شاگردانمان غلط است. پس شاگردانمان یا شاگردان خود غلط است.

سخت

### ۶ - گزینه ۲

«تسبیح گوی» یک فعل امر است پس تعریض نباید به صورت مضارع «تُسَبِّح» بیاید (رد گزینه های ۳ و ۴)

«به زیبایی» حال است پس «جميلة» درست است چون حال نکره است (رد گزینه های ۱ و ۳ و ۴)

سخت

### ۷ - گزینه ۲

(۱) فی عصرنا الحاضر: در عصر حاضر ما (ترکیب وصفی و اضافی است که در این صورت، ابتدا باید صفت و سپس مضاف الیه ترجمه گردد.) / درجة عظيمة من التقدم: درجه ی بزرگی از پیشرفت

(۳) أعظم درجات التقدم العلمي: بزرگ ترین درجات پیشرفت علمی (ترکیب وصفی و اضافی)

(۴) كثير منهم: بسیاری از آن ها / بهذا الفضل: به این برتری ( «الفضل» مفرد است)

سخت

### ۸ - گزینه ۱

(۲) صديقتي كان أُمّية: دوستم بی سواد بود (بی سواد به عنوان صفت برای «صديقتي» ترجمه شده که اشتباه است و همچنین جمله اسمیه است و خبر باید به صورت صحیح ترجمه شود) / مكانة العلماء الرفيعة: جایگاه والای علما (ترکیب وصفی و اضافی است و «الرفيعة» صفت برای «العلماء» است.

(۳) مكانة العلماء الرفيعة ← مانند گزینه (۲) / عزمت علی دراسة: تصمیم به درس خواندن گرفت، عزم به تحصیل کرد («ادامه» ی تحصیل اشتباه است.)

۴) صدیقی کان اُمیة ← مانند گزینه (۱) دوستم که بی سواد بود ← به صورت ترکیب وصفی ترجمه شده است و اشتباه است.

سخت

۹ - گزینه ۴

۱) طلبت منی : از من خواست ← ماضی ساده است اما به صورت ماضی بعید ترجمه شده است / قبول مسؤولیة تعلیم التلامیذ الضعفا : پذیرش مسئولیت آموزش دادن دانش آموزان ضعیف ← ترکیب وصفی و اضافی است و باید به همین ترتیب ترجمه شود.

۲) طلبت منی ← مانند گزینه (۱) (به معنی مرا وا داشت نیست) / قبول مسؤولیت تعلیم التلامیذ الضعفا ← مانند گزینه (۱)

۳) طلبت منی ← مانند گزینه (۱) (به معنی مرا وا داشت نیست) / فی الدروس : در درس ها (درسهایشان اشتباه است)

سخت

۱۰ - گزینه ۲

خطای موجود در گزینه ۲:

«لم یخلقکم» نیافرید - نیافریده است (لم + فعل مضارع = ماضی ساده منفی یا ماضی نقلی منفی) نمی آفریند نادرست است.

سخت

۱۱ - گزینه ۲

ترجمه درست : مردم در آن سرمای شدید به آن فقیر از نظر مالی نیکی نکردند.

سخت

۱۲ - گزینه ۱

در گزینه ی ۲ سکوت یکی از راه های حکمت است . در گزینه ی ۳ به شیطان به صورت غیر از آن ترجمه می شود در گزینه ی ۴ ولی انجام دهنده آن کمتر است که کلمه انجام دهنده آن ترجمه نشده است.

سخت

۱۳ - گزینه ۱

در گزینه ی ۲ بیماری اش و برده بودم درست است در گزینه ی ۳ از معلم خود و عاقبت کارش درست است در گزینه ی ۴ رسیده اند درست است. زیرا فعل ماضی نقلی است.

سخت

۱۴ - گزینه ۲

«رأیت» دیدم / «فی حدیقتنا» در باغمان / «بلابل جمیلة» بلبل های زیبایی (موصوف و صفت نکره) / «تُقَرَّد» که آواز می خواندند (جمله وصفیه) / «بصوت جمیل» با صدایی زیبا (موصوف و صفت نکره) / «نحن استرحنا» ما استراحت می کردیم / «تحت الأشجار الخضراء» زیر درختان سرسبز

سخت

۱۵ - گزینه ۴

«گروه اندکی از ما» شَرِذْمَةٌ مِّنَّا / «هر آن چه» کُلِّ ما / «می شنوند» یسمعون / «تأیید می کنند» یُوَيِّد (در این جا) / «این امری است» هذا أمر / «پذیرفته نمی شود» لا یُقْبَل (مجهول)

تشریح گزینه های دیگر:

گزینه «۱» «یُصَدِّق» باور می کنند / «یستمع إلیه» به آن گوش می دهد / «هذا الموضوع» نادرست است. / «از ما: منّا» نیز در تعریف نیامده است.

گزینه «۲» «یُصَدِّق» و «یُسَمِع» به شکل مجهول و مفرد، و «الأمر» نادرست اند.

گزینه «۳» «الجمع» (مضاف) با داشتن «أل» و «یُقْبَل»، «به صیغه مذکر» نادرست اند.

سخت

۱۶ - گزینه ۴

«أهیی نفسی» خودم را آماده می کنم / «للذهاب» برای رفتن / «إلی بیت صدیقی» به خانه ی دوستم / «أرید أن أساعده» می خواهم به او کمک کنم / «فی

دروسة» در درس هایش

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ی «۱»: «آماده کردم» نادرست است و «أرید» ترجمه نشده است.

گزینه ی «۲»: «آماده شدم» نادرست است و «نفسی» و ضمیر «ه» در «دروسة» ترجمه نشده اند.

گزینه ی «۳»: «أرید» ترجمه نشده است.

سخت

## ۱۷ - گزینه ۲

باتوجه به این که کلمه‌ی «حَقًّا» در عبارت مورد سؤال این گزینه، یک اسم نکره است، ترجمه‌ی درست عبارت، این گونه است: «ما هرگز فراموشش نخواهیم کرد، زیرا که او بر ما، حَقِّ بزرگ دارد!»

نکات مهم درسی

«لَنْ» که از حروف ناصبه فعل مضارع است، وقتی بر سر فعل مضارع عربی در می‌آید، زمان حال مثبت را به آینده منفی، تبدیل می‌کند. / «وإن»: اگرچه سخت

## ۱۸ - گزینه ۴

باتوجه به معنی «روزگار را دیدم که مختلف می‌چرخد، پس نه غمی می‌ماند و نه سروری!» گزینه‌های «۲، ۱ و ۳» چنین مفهومی دارند، ولی گزینه‌ی «۴» دارای مفهوم «تحمل سختی در راه رسیدن به هدف» است.

سخت

## ۱۹ - گزینه ۴

«کیست بهتر از کسی که به سوی خدا دعوت کند و عمل صالح انجام دهد»

در اهمیت انجام عمل است که سایر گزینه‌ها با آن هم معنی است، اما گزینه‌ی ۴ در مورد این است که هر که نیکی کند به خود کرده و هر که بدی کند نیز به خودش بد کرده است. [نتیجه‌ی عمل انسان به او برمی‌گردد].

سخت

## ۲۰ - گزینه ۱

«بهار»: الرَّبِيعُ / «آمده است»: قَدْ أَتَى، قَدْ جَاءَ (ماضی نقلی) / «تا بهره‌مند شویم»: لِنَتَمَتَّعَ بِـ / «لبخند»: تَبَسَّمَ / «شکوفه‌های رنگارنگ»: الْأَزْهَارُ الْمُتَلَوَّنَةُ / «بوی خوشی»: رَائِحَةُ طَيِّبَةٍ / «که پخش می‌شود»: تَفُوحُ (جمله وصفیه) / «از دهانشان»: مِنْ فَمِهَا

سخت

## ۲۱ - گزینه ۱

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: «يُحَاسِبُ» فعل مجهول است و در این جا به صورت «محاسبه می‌شوند» ترجمه می‌شود.

گزینه ۳: «وقتی» اضافه است. / «او را» به صورت «فرزندش را» صحیح است. / ضمیر «نا» در «نَبِيْنَا» ترجمه نشده (پیامبر بزرگوار ما).

گزینه ۴: «قَدْ هَيَّأْنَا» ماضی نقلی است و به صورت تهیه کرده‌ایم» صحیح است. / «طعاماً» نکره است (غذایی). / ضمیر «هم» نیز ترجمه نشده است.

سخت

## ۲۲ - گزینه ۳

در گزینه ۱ «أَعْلَمُ» اسم تفضیل به معنای «داناتر» است و «می‌دانی» نادرست است.

در گزینه ۲: اسم اشاره جمع همراه با اسم بدون «أَل» جمع آمده است پس باید به صورت جمع ترجمه شود: «آن‌ها دانش آموزان کوشایی هستند»

در گزینه ۴ اِبْتَعَدَ: ماضی است که به غلط به صورت مضارع ترجمه شده است.

سخت

## ۲۳ - گزینه ۲

زیرا عبارت صورت سؤال: به استفاده از فرصت‌ها و غنیمت شمردن فرصت‌ها اشاره دارد که تنها گزینه ۲ با آن هم مفهوم است.

سخت

## ۲۴ - گزینه ۳

كَانَ يُؤَكِّدُ: ماضی استمراری به معنای تأکید می‌کرد (ردّ گزینه‌های ۱ و ۴)

تَقْبِيلُ: بوسیدن (ردّ ۱ و ۲)

سخت

## ۲۵ - گزینه ۳

چه کسی؟ = مَنْ (ردّ گزینه ۱)

مرا یاری کند؟ = يَنْصُرُنِي (ردّ گزینه‌های ۲ و ۴) مرا خوار کنی: خَذَلْتَنِي (ردّ گزینه‌های ۱ و ۴)

سخت

## ۲۶ - گزینه ۴

بررسی سایر گزینه‌ها:

انجام می‌دهم: أَقُومُ بِـ... (ردّ گزینه‌های ۱ و ۲ و ۳)

در خانه: فی البیت (ردّ گزینه ۱)

ساعة محدّدة: نکره است (ردّ گزینه ۳)

سخت

۲۷ - گزینه ۱

«اساس فکر»: «أساس التفکّر»: ترکیب اضافی است و هیچ ضمیری همراه خود ندارد. [رد گزینه‌های ۲ و ۳]

«در دل»: «فی القلب» بدون ضمیر است. [رد گزینه‌های ۲ و ۴]

سخت

۲۸ - گزینه ۱

اگر: إنّ، إذا (رد گزینه ۳)

می‌خواهید: تریدون [چون مجزوم می‌شود، نون آن حذف می‌شود. ضمناً اگر ادوات شرط بر سر فعل ماضی بیاید، فعل شرط به صورت مضارع التزامی ترجمه

می‌شود. همچنین دقت کنید که «إذا» از ادوات شرط غیرعامل است، پس فعل را مجزوم نمی‌کند.] (رد گزینه‌های ۲ و ۳)

تمییز جامد است پس گزینه‌های ۲ و ۴ که از «مؤنناً» [مشتق] استفاده کرده است، نادرست است. / باشید: کونوا (رد گزینه ۳)

سخت

۲۹ - گزینه ۲

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: «دافعوا» در ابتدای جمله فعلیه باید مفرد بیاید.

گزینه «۳»: «العزیز، کانوا قد دافعوا، دفعاً» (به صورت مفعول مطلق تأکیدی) و «لن» از موارد نادرست هستند.

گزینه «۴»: «العزیز، قد دافعوا، دفاعاً» (به صورت مفعول مطلق تأکیدی) و «لا یسمحون» از موارد نادرست هستند.

سخت

۳۰ - گزینه ۱

رزمندگان قهرمان ما: مجاهدونا الأبطال (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / خدای خود: ربّهم (رد گزینه ۳) / می‌خواندند: کانوا یدعون، کان ... یدعون (رد گزینه ۲) / تا

یاری رساند: حتّی یساعد، لیساعد (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

سخت



## پاسخنامه کلیدی

۱ - ۱	۶ - ۲	۱۱ - ۲	۱۶ - ۴	۲۱ - ۱	۲۶ - ۴
۲ - ۳	۷ - ۲	۱۲ - ۱	۱۷ - ۲	۲۲ - ۳	۲۷ - ۱
۳ - ۳	۸ - ۱	۱۳ - ۱	۱۸ - ۴	۲۳ - ۲	۲۸ - ۱
۴ - ۲	۹ - ۴	۱۴ - ۲	۱۹ - ۴	۲۴ - ۳	۲۹ - ۲
۵ - ۲	۱۰ - ۲	۱۵ - ۴	۲۰ - ۱	۲۵ - ۳	۳۰ - ۱